



رحمان حسین زاده

## ۱۸ تیر: گسترش اعتراض علیه جمهوری اسلامی

(پیام رحمان حسین زاده)

زندان و شکنجه باید رخت بریندد و آزادی و رهایی مردم باید مستحق شود. به اینصورت جدال نهایی مردم با قصد سرنگونی رژیم اسلامی وارد مرحله نوبتی شد.

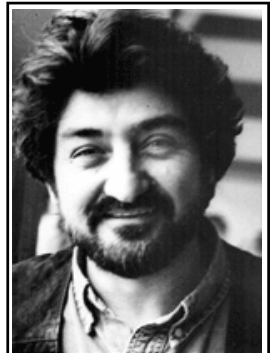
صفحه ۲

نمود و جامعه ایران و افکار عمومی و بین‌المللی را تحت تاثیر قرار داد. آن تحرك و جنبش چند روزه ۵ سال قبل به همگان اعلام کرد، جمهوری اسلامی و جناحهای آن باید بروند، خامنه‌ای و خاتمی و رفسنجانی باید محاکمه شوند، کشتار و اعدام و

جنایتکاراسلامی را پیش رو داریم. هیچ‌دهم تیر سال ۱۳۷۸ نقطه عطف گسترش اعتراض و مبارزه برحق دانشجویان و جوانان و توده مردم جان به لب رسیده از دست رژیم اسلامی بود. جنبش سرنگونی رژیم اسلامی پایه‌های خود را محکم

## مردم کردستان، کارگران، زنان، جوانان!

۱۸ تیر روز اعتراض و اعلام کیفیت خواست مردم ایران علیه جمهوری



اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم جنبش  
باز گرداندن اختیار  
به انسان است.

منصور حکمت

## در باره معضل اعتیاد به مواد مخدر

گفتگو با ایرج فرزاد

صفحه ۳

## مجازات اعدام شیع ترین شکل قتل عمد است

این مطلب در شماره ۷ نشریه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹، با عنوان: چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام، بچاپ رسیده است

## اطلاعیه کمیته پاره و اورامانات شیوا بابایی توسط پدر مردسالار و ناموس پرستش بقتل رسید!

صفحه ۲

## نظم نوین در فاز حماقت جنون آمیز

رژیم بوش تلاش دارد به هر قیمت که شده است بقبولاند که سیاست "تغییر رژیم" او در عراق و ترجمان امروزی نظم نوین با قاطعیت و با يك دورنمای مشروع اجرا میشود.

صفحه ۲

**خاوران:** حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟  
**منصور حکمت:** مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل يك دولت و یا يك مرجع فائده سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با يك قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون يك نهاد سیاسی، جلوی روی **صفحه ۴**

## رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

## به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## نظم نوین ♦♦♦ (از صفحه اول)

کار کسب مشروعیت برای توجیه زیر و رو کردن جامعه عراق ناتمام و مسکوت گذاشته شد. قرار شد افکار عمومی را با وعده یافتن مدارک دستیابی رژیم صدام به "سلاح کشتار جمعی"، توجیه و قانع کنند که "دنیا می‌دمکراسی" با کشتار جمعی مردم عراق و به کشت دادن سرباز آمریکایی و انگلیسی و دیگر "متحان" کماکان در راس به صف کننده سیاستها در جهان باقی مانده است. چنین مدرکی را هیچگاه نیافتند و به روی خود نیز نیاوردند.

شورای موقت حکام عراق در دستچین کردند، در سالگرد حمله به عراق عذرشان را خواستند و با تحقیر و توسری "متحد"ی برای خود باقی نگذاشتند. احمد چلبی را "برکنار" کردند و تازه پس از سالها دست پروردگی پنتاگون و سیا، او را جاسوس رژیم جمهوری اسلامی و منبع اطلاعاتی دروغگر لقب دادند. متحلیین "گرد" خود، نیروهای جلال طالبانی و بازارانی را چون فریب خوردگانی که با آب خود چوبی سرگرم و بازی دادند، از خود راندند، هیچ مقام و منصب مهم و پایداری به آنان ندادند و با شکل دادن به یک دولت اساسا قومی- عربی و شبه اسلامی- عربی، چوب دیرین معضل و مساله کرد را لای زخم رو به عفونت گذاشته جامعه عراق باقی گذاشتند. دورنمای یاس و ناامیدی و آویزان شدن مجدد کردستان عراق و وضعیت مدنی آنرا جلو مردم این منطقه گرفتند. هنوز جوهر "اعتبار نامه" دولت جدید پوشالی خشک نشده و هنوز اولین درس و مشق نیروی ۲۰۰ هزار نفری ارتش موعود متشکل از "خود عراقیها" توسط ژنرالهای آمریکایی انجام نشده، بی خاصیت و کاغذی بودن دولت موعود را دارند با صدای رسا اعلام میکنند. حمله هواپیماهای بمب افکن آمریکایی در روز شنبه این هفته به یک مجتمع مسکونی در فلوجه و کشتار ۲۰ نفر ظرف چند ثانیه، با این بهانه صورت گرفت که گویا افراد "خارجی" وابسته به "ابوموساب الزرقاوی" که گویا وابستگی به القاعده دارد، در آن مخفی شده

بودند. فرمانده "عراقی" پلیس در فلوجه، کلنل محمد عواد، همانروز به آسوشیتدپرس گفت چنین توجیهی مطلقا بی اساس است و تمام کشته شدگان افراد غیر نظامی و از شهروندان عادی مقیم فلوجه بوده اند. نخست وزیر "جدید عراق، ایاد علاوی، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که بعد از ۳۰ ژوئن که قرار است حاکمیت به "عراقیها" سپرده شود، چنین "ناهماهنگیهای" از بین خواهد رفت. اما سیاست و کشورداری را با حماقت نمیتوان ادامه داد. نمیتوان زیربنای اقتصادی و اجتماعی یک کشور را و مدنیت آنرا با بمب و راکت و حضور نظامیان همیشه دست بر ماشه زیر و رو کرد و بعد گفت ببخشید! اگر سلاح کشتار جمعی هم یافت نشد، زیاد خرده نگیرید. نمیشود دسته دسته جسد سربازان آمریکایی را بعنوان سوغات قربانیان "دمکراسی" تحویل مردم داد و در برابر چشمان آنها و بر صفحه تلویزیون آشکارا با اطلاعات و توجیهات دروغ کشتار راه انداخت. نمیشود، به "رای" و حق رای مردم و افتخار دولت آمریکا به حق انتخاب مردم قسم خورد و فخر فروخت، و در عراق کسانی را بر مردم حاکم کرد، که هر لحظه باید منتظر برکناری و افشای بی ربطی و بی ریشگی آنها در میان مردم عراق آنها از جانب خود مقامات آمریکا بود و هیچ پروسه و مراسم فرمال مراجعه به آرا مردم و حداقل مشروعیت کاغذی را هم به کسی نشان نداد. این وضعیت نمیتواند با ثبات بماند، با حماقت نه میتوان حتی به ضرب اشغال و نظامیگری حکومت و نظمی را برقرار ساخت و نه میتوان مدام افکار عمومی جهان متمدن را فریب داد. اگر روال کار بر همین منوال ادامه یابد، مردم عراق باید برای بدست گرفتن سرنوشت خود امکان دخالت یابند، دولت و رژیمی که بر آنان حاکم میشود، باید بتواند قبل از تقسیم هر منصب و مقامی، خود را به معرض قضاوت و انتخاب قرار دهد، اجزایی که قرار است سرنوشت جامعه عراق را تعیین کنند، باید معلوم شود،

### ایرج فرزاد

## اطلاعیه کمیته پاه و اورامانات

# شیوا بابایی توسط پدر مردسالار و ناموس پرستش بقتل رسید!

انسانی است. نه دولت، نه والدین و بستگان نه هیچ مرجعی دیگری حق دخالت در این امر را ندارند. امروز در ایران تحت حاکمیت جنایتکاران اسلامی، زنان بردگانی هستند که از هیچ حقوقی بهره مند نیستند. روزانه صدها دختر و زن، مستقیم و غیر مستقیم در زندان و گوشه و کنار این جامعه، با سر نوشت مشابه شیوا قربانی میشوند. روزانه صدها انسان شریف مانند شیوا، در دفاع از زندگی خود نابود میشوند. نابودی فیزیکی و روحی سهم زنان در ایران تحت حاکمیت رژیم آپارتاید جنسی میباشد. جمهوری اسلامی بانی و عامل اصلی این جنایات در این جامعه است. در عین حال مردم باید خواستار مجازات محمد تقی باشند، اما تنها راه خلاصی از این فلاکت بر چیدن رژیم اسلامی و ممنوع کردن هر گونه اجحاف تحت هر عنوانی علیه زنان است. کمیته پاه و اورامانات حزب کمونیست کارگری، این ضایعه را به مردم شریف دورسان و پاه، به بستگان و دوستان شیوا، تسلیت میگوید و برای بهبود حال فریده و تحسین بهترین آرزوها را دارد.

## کمیته پاه و اورامانات حزب کمونیست کارگری ایران

۲ تیر ۱۳۸۳ (۲۲ جون ۲۰۰۴)  
تلفن و آدرس ای میل دبیر کمیته:  
۰۰۴۶۷۰۹۲۳۶۱۵۴  
abe\_sharifi@yahoo.com

روز ۲۹ خرداد ۸۳، در دورسان یکی از محلات حاشیه شهر پاه، پاسدار بازنشسته محمد تقی بابایی فرزندان خود را به رگبار میندود. در اثر این حمله جنایتکارانه دختر ۲۲ ساله خود را به قتل میرساند و همچنین دو فرزند دیگرش را بشدت زخمی میکند. مدتی بود شیوا بابایی جوان ۲۲ ساله، معلم یکی از مدارس شهر پاه، تحت فشار پدرش و افکار اسلامی، ضد زن و مرد سالار خانواده قرار گرفته بود تا اجبارا با فردی که کاندید پدر بود ازدواج کند. شیوا در این مدت مقاومت و تلاش کرده بود که پدر و بستگان را متوجه حق خود در امر انتخاب همسر کند. برادر و خواهر شیوا او را در این زمینه حمایت میکردند. متاسفانه مبارزه شیوا بشیوه خونین و وحشیانه پایان یافت. محمد تقی مردی که افکار و ستن اسلامی و ارتجاعی، افکار گنبدیده مردسالاری و عقب مانده از او یک جانی و قاتل جگرگوشه خویش مبدل کرد، سرانجام با به رگبار بستن فرزندان خود شیوا را به قتل رساند و فریده و تحسین دو فرزند دیگرش را زخمی میکند. بعد از این فاجعه قاتل، خود را به قاتلان بالاتر، یعنی مراجع دولتی حکومت اسلامی می سپارد. مردم مبارز! تمام شئونات زندگی خصوصی و از جمله حق انتخاب همسر، از ابتدایی ترین حقوق

انتشار قطعنامه و طومارهای اعتراضی مبارزه برای سرنگون جمهوری اسلامی را گسترش دهیم. با کنترل محلات عرصه را بر رژیم اسلامی و دم و دستگاه نظامی و اداری آن تنگ کنیم. دوره تعرض ما فرا رسیده است. وسیعا به میدان بیاییم. **مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری** ۳ تیر ۱۳۸۳

جنسی، آزادی فوری زندانین سیاسی اعلام کنیم. جنبش ما مردم معترض، کارگران، زنان، جوانان، در کردستان به عنوان بخش قدرتمند و لاینفک جنبش سراسری سرنگونی رژیم اسلامی، باید دست بکار شویم، ابتکارات و تجارب تاکنونی را بکار بگیریم. در سطح شهر، دانشگاه، محله، محیط کار و هر جا که ممکن است با تجمع و متینگ اعتراضی، با تظاهرات و

زنان، جوانان و مردم هراسان است. این نقطه قدرت خود را بشناسیم و آن را تکرار کنیم و به اوج تازه ای برساییم. در مناسبت ۱۸ تیر امسال نیز در اعتراضاتی گسترده و هماهنگ، در ابعاد سراسر ایران، به میدان بیاییم. کيفرخواست خود را با خواست محوری، "سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری" و با مطالباتی چون "دست مذهب از زندگی مردم کوتاه"، "لغو آپارتاید

## پیام رحمان حسین زاده

مبارزه انقلابی و اعتراض کوبنده و گسترده مردم قرار گرفت. جنبش ما، جنبش آزادیخواهانه و چپ با روشنی و قدرت بیشتر به جلو صحنه آمد. جمهوری اسلامی و سران ریز و درشت آن از تداوم و تکرار اعتراضات و مبارزات ما کارگران،

ز آن مقطع تاکنون، هر ساله و به مناسبت ۱۸ تیر جنب و جوش و تحرك اعتراضی گسترده در تهران و شهرهای بزرگ، در میان دانشجویان و جوانان و توده مردم معترض دامنه بیشتری گرفته است. سال گذشته از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر تمام پیکره و کلیت جمهوری اسلامی زیر ضرب

## در رابطه با معضل اعتیاد به مواد مخدر مصاحبه اسماعیل ویسی با ایرج فرزاد

رشد و گسترش اعتیاد در سطح جهانی به مصیبتی اجتماعی بخصوص در میان جوانان مبلبل شده است. همچنین در ایران و کردستان، گسترش این فاجعه دلخراش اجتماعی هر روز طیف وسیعتری از جوانان را بکام خود میکشد. در ادبیات حزب از نقش مخرب جمهوری اسلامی در پخش، رشد و گسترش و سوق دادن هر چه بیشتر جوانان، سخن رفته است. چرا جمهوری اسلامی؟ و بنظر شما راه مبارزه و نجات جوانان با این پدیده مخرب چیست؟

**ایرج فرزاد:** مساله اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آنها توسط باندهای مختلف دولتی و غیر دولتی يك معضل بزرگ است که کشورهای مختلف با قوانین و ضوابط مختلف با آن برخورد میکنند. در کشورهای موسوم به "جهان سوم"، دخالت و شراکت دولت و نهادهای دولتی در توزیع مواد مخدر و زد و بند با باندهای قاچاق مواد مخدر يك منبع بزرگ کسب ثروتهای افسانه ای است. در هر حال بحث و بررسی این پدیده در سطح کلی موضوع دیگری است که باید در فرصت دیگری به آن پرداخت. اما تا آنجا که به این معضل در دوران سلطه جمهوری اسلامی بر میگردد، مساله بسیار پیچیده تر و دامنه تاثیرات مخربی که دامنگیر مردم جوانان میشود بسیار فاجعه بار تر است. جمهوری اسلامی، يك دولت، يك رژیم و یا نظامی نیست که بتوان آنرا مثلاً با مقوله راست و یا حتی ارتجاعی توصیف کرد. جمهوری اسلامی مجموعه ای از دارو دسته های راهزن اسلامی و سلطه مشتکی طفیلی است که رسالت اصلی آنها بخون کشیدن مبارزه و قیام مردم علیه رژیم سلطنتی بود. اینها نه

کودکان خیابانی و کودکان کار، خرید و فروش دختران و فرار آنها و پیوستن به صف تارک و تحقیر آمیز و شکنجه آور دختران خیابانی، گسترش بی خانمانها و بی مسکنهای جامعه شناسانده اند. بختیاری رئیس کل زندانهای رژیم اسلامی چندی پیش رسماً اعلام کرد که آنها از کنترل زندان و فراهم کردن ابتدائی ترین موازین بهداشتی و جلوگیری از امراضی مانند ایدز و هپاتید در میان زندانیان معتاد ناتوانند، چرا که وارد کردن مواد مخدر به داخل زندانها به راحتی صورت میگردد. دلیل اساسی این است که روسای زندانها و زندانیان خود در این شبکه توزیع مواد مخدر در زندان دخیل اند که منبع عظیم به جیب زدن پولهای کلان است. در جمهوری اسلامی بین مقامات مختلف انتظامی و زندانبان رژیم و سلسله مراتب آنها برای زندانها "سرقلی" تعیین شده است که از پائین ترین سطح تا عالیترین مقام را میپوشاند. این دیگر يك فاکت شناخته شده است که زندان و یا "ندامتگاه" که علی القاعده باید جایی برای آموزش و اعاده حیثیت و حرمت فرد "مجرم" باشد، در جمهوری اسلامی مکانی برای سرایت جرم، ابتلا به اعتیاد و انواع امراض است. بنابراین وقتی ما با معضل اعتیاد و مواد مخدر و باندهای توزیع مواد مخدر در رژیم اسلامی میگردیم، میبینیم که خود رژیم اسلامی يك منبع و يك باند تبهکار بزرگ با امکانات بزرگ و غیر قابل کنترل است. اگر قرار است دست باندهای توزیع کننده مواد مخدر را از زندگی مردم کوتاه کرد، بزرگترین و پیچیده ترین و خطرناکترین آنها خود رژیم جنایتکاران اسلامی است. مبارزه جدی با پدیده اعتیاد و شبکه های تبه کار توزیع کننده مواد مخدر، بدون دست نشان کردن این مرکز و منشا اصلی فساد و تبه کاری ممکن نیست.

به نظر میرسد برخی دولتهای اروپائی و حتی سازمان ملل دستگیری و اعدام افراد وابسته به باندهای کوچک غیر دولتی و ضبط مواد مخدر این باندها را نشانه جدی بودن رژیم اسلامی در مبارزه با مواد مخدر و پخش آن در میان مردم قلمداد میکنند. این مساله

قبل از اینکه کوچکترین نشانی از حقیقت را منعکس کند، بیشتر از آنجا ناشی میشود که این دولتها و نهادها، مشروعیت رژیم اسلامی را پذیرفته اند. این مساله ای است که مردم ایران پس از زیر کشیدن رژیم اسلامی باید با آن دولتها و نهادها بررسی و بازبینی کنند و مورد حسابرسی قرار دهند. کسی که کارنامه بیش از ۲۵ سال حکومت باندهای اسلامی را بر مردم ایران دیده باشد و به آمار وحشتناک اعتیاد جوانان، پائین آمدن متوسط سن معتادین و مرگ و میرهای دلخراش در کنار خیابانها و خرابه ها و قبرستانها بی تفاوت بماند و برای دلهره و هراس و وحشتی که هر خانواده دارای فرزند را در مورد مصیبت اعتیاد فرا گرفته است شانه بالا بیاندازد، کوچکترین احترامی نه به حقیقت و نه به حرمت و شان انسان قائل نیست. به دار کشیدن چند قربانی فاجعه اعتیاد در ایران و آنرا نشانه جدی بودن رژیم جنایتکار اسلامی در مبارزه با مواد مخدر فرض کردن، فقط تف کردن به حقیقت و تلاش برای برسمیت شناسی رژیم مشتکی غارتگر اسلامی بعنوان "دولت" است.

در رابطه با معضل اعتیاد جوانان و گسترش شبکه های توزیع مواد مخدر، بنابراین، اولین قدم و جدی ترین اقدام عملی، مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم دارو دسته های اسلامی بر مردم ایران است. باید گوششان را گرفت و مردم را از شر و مصیبت يك مشت جنایتکار که جامعه ایران را به مرز سقوط به فروپاشی و فلاکت کشانده اند، رها ساخت.

**بنظر شما در فردای سرنگون شدن جمهوری اسلامی، و تصرف قدرت توسط حزب کمونیست کارگری و یا در شرایطی که حزب کمونیست کارگری به يك نیروی غیر قابل حذف در صحنه سیاست ایران تبدیل شود که امکان تاثیر گذاری بر زندگی میلیونها مردم را دارا باشد، با این پدیده چگونه باید برخورد شود؟**

**ایرج فرزاد:** سیاست کمونیسم کارگری به روشنی در برنامه حزب کمونیست کارگری، يك دنیای بهتر، طرح شده است. در اولین اقدام، باید

دست باندهای مافیائی توزیع کننده مواد مخدر را از دخالت در سرنوشت مردم و جوانان کوتاه کرد. دولت باید با بهره گیری از مدرن ترین امکانات درمانی و مراقبتی و سیاستهای حمایتی، حرمت و شان انسانی کلیه معتادان به مواد مخدر را اعاده و احیا و بازسازی کند. اعتیاد به مواد مخدر را غیر جنائی اعلام کند و بیشترین امکانات را برای انتخاب و در پیش گرفتن يك زندگی شکوفا و مفید برای معتادان فراهم کند. يك دلیل اساسی پرتاب شدن جوانان به ورطه اعتیاد، بیکاری و فقر و فقدان امکانات برای تحصیل و آموزش و در نتیجه هز رفتن انرژی و توان آنها و گرفتار شدن به یاس و استیصال و احساس شکست و بی خاصیتی است. باندهای خرید و فروش مواد مخدر از این فرجه ای که رژیم کثیف اسلامی خلق کرده است، مغری برای رسیدن سریع به پول و امکانی برای تخدیر و فراموشی بیش پای جوانان میگذارند. با قطع شدن میدان تاخت و تاز باندهای خرید و فروش مواد و مهمتر از همه آنها ساقط شدن رژیم تبه کاران اسلامی، این مجرا کور میشود و جامعه امکان می یابد که به جای صرف امکانات و منابع عظیم اقتصادی برای نگاهداری دستگاههای عریض و طویل برورکراتیک و دستگاه سرکوب و زندان و شکنجه و نهادهای طفیلی و ارتجاعی اسلامی، دهها مرکز و نهاد آموزشی، تربیتی، دانشکده و دانشگاه و مراکز مدرن و پیشرفته رفاهی و ورزشی برای تعالی و شکوفائی جامعه و نسل جوان فراهم کند. انجام چنین کارهایی با امکانات موجود در جامعه ایران میسر است. در يك کلمه حزب کمونیست کارگری برنامه يك دنیای بهتر را بعنوان مبانی قانون اساسی جامعه برای اجرای فوری در دستور میگذارد.

## مصاحبه با منصور حکمت ( از صفحه اول )

مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

**خاوران:** با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

**منصور حکمت:** سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی يك قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود.

سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما

مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی

آغا محمد خان قاجار تمام اهالی يك شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکشند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول

کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند. دارند جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز

کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، يك رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در

مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت. میپرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل

تکرار قتل است. ما میگوئیم این يك کار را بهیچوجه نمیشود کرد.

اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در يك جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او

فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در يك جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

**خاوران:** حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

**منصور حکمت:** در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم بخشندهشان.

**خاوران:** با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

**منصور حکمت:** اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، يك مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر

تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، دربدر شده، میتواند

برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجاز است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای

انتقام عشیرتی نشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند بژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

**خاوران:** آیا با لغو مجازات

اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

**منصور حکمت:** خیر. برعکس. همانطور که گفتم همان اول کار

جلوی يك لیست بالابلند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل

سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانيا، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان

آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکاندیناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت)

به مراتب کمتر از امریکاست. **خاوران:** بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

**منصور حکمت:** نمیدانم آیا اصولا کلمه مجازات کلمه خوبی برای يك سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی

جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانيا، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو شود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت

مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازیه بزند.

**خاوران:** اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در

اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن يك یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

**منصور حکمت:** من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در يك دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه

باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به يك هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. يك فرمول کلی در قبایل اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند.

بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببست هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده اند يك پرونده سیاسی نیست.

ممکن است دلایل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده يك پرونده سیاسی نیست. منتهی يك چیز را یادآوری کنم. اگر

بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول

متهمین خواهند بود. من فرقی میان تسموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

**خاوران:** اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

**منصور حکمت:** قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

**خاوران:** اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

**منصور حکمت:** بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی

است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار

باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم

بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از

حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما

میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً

مقوله ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این

سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد

محاکمه آنها باشیم.

**خاوران:** علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

**منصور حکمت:** اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من

ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین يك جمله شما نهفته است.

